



حکمت از علم لدنی به دست می‌آید / همه موجودات عالم معنا دارند

خسروپناه گفت: ملاصدرا معتقد است حکمت از علم لدنی به دست می‌آید؛ یعنی کسی را حکیم می‌گوییم که از این علم بهره‌مند باشد. به گفته او حکیم وقتی حکیم است که با جهان معنا در ارتباط باشد.

خسروپناه گفت: ملاصدرا معتقد است حکمت از علم لدنی به دست می‌آید؛ یعنی کسی را حکیم می‌گوییم که از این علم بهره‌مند باشد. به گفته او حکیم وقتی حکیم است که با جهان معنا در ارتباط باشد.

همایش یک روزه «حکمت و معنویت» به همت مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و به مناسبت روز جهانی فلسفه ظهر روز گذشته، دوشنبه ۲۵ آبان ماه در محل این موسسه با حضور اساتید، بزرگان و چهره‌های ماندگار فلسفه برگزار شد.

عبدالحسین خسروپناه به عنوان سومین سخنران این همایش درباره «مبانی حکمی معنویت» از منظر ملاصدرا سخنرانی کرد. وی گفت: صحبت از معنویت این روزها آن قدر مطرح شده که گمان می‌کنیم یک واژه نوظهور است، در حالی که با یک جستجوی سطحی می‌بینیم که واژه معنویت در آثار قدما به خصوص در آثار عارفان و حکیمان به صورت مکرر و بسیار زیاد به کار رفته است. همه موجودات از معنویت برخوردار هستند.

رئیس موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه افزود: معنویت را اگر به معنای روحانیت در نظر بگیریم، مقابل مادیت است و ساحت‌های مختلفی دارد. احساس معنوی، کلام معنوی، علوم معنوی، رفتار معنوی و حیات معنوی از جمله ساحت‌های معنویت است. در حکمت اسلامی هم عالی‌ترین مرتبه معنویت، عشق حقیقی است. حقیقت عشق و معنویت یافتنی است نه بیان کردنی. به عبارت دیگر عشق حقیقی با جان آدمی پیوند دارد. لذا انسان در نسبتی که با معنا دارد، جان و روح تازه پیدا می‌کند.

وی ادامه داد: معنویت در دنیای مدرن با عقلانیت خودبنیاد پیوند خورده است و از آن به عنوان سوبرکتیوینته یاد می‌شود؛ یعنی در عصر فعلی از معنویت منهای شریعت، منهای دین و خدا یاد می‌شود، اما ما معتقدیم در حکمت اسلامی، معنویت در سرشت آدمیان نهفته است یعنی همه عالم اهل معنا و معنویت است. انسان هم گرایش فطری است.

خسروپناه در ادامه با اشاره به تلقی ملاصدرا از حکمت، گفت: ملاصدرا حکمت را مبتنی بر حکمت متعالیه تعریف کرده است. او گفته حکمت از علم لدنی به دست می‌آید؛ یعنی کسی را حکیم می‌گوییم که از این علم بهره‌مند باشد. به گفته او حکیم وقتی حکیم است که با جهان معنا در ارتباط باشد و کسی که یافته‌های خود را از علم لدنی بگیرد و مبرهن کند، فیلسوف می‌شود.

وی در ادامه با اشاره به مبانی هستی‌شناختی ملاصدرا در تعریف حکمت، گفت: ملاصدرا چند مبنا در تعریف حکمت قائل است؛ اول اینکه ملاصدرا به اصالت وجود اعتقاد داشت، دوم اینکه به تشکیک وجود و حقیقت واحده مشککه اعتقاد داشت. مناط واجبیت که بی‌نیازی از ماسوی‌الله یا امکان فقری - یعنی اینکه هر موجودی که به خدا نزدیک شود، فقیرتر است و فقر وجودی‌اش بیشتر است - نیز از دیگر مبانی هستی‌شناختی ملاصدرا در تعریف حکمت است. مبنای دیگر او حرکت جوهری طبیعت و ارتباطی که با مبدا دارد، است. آخرین مبنای او هم این است که علم گسترده، پیشین و ذات‌خدایی است؛ به همین دلیل خدا به همه اشیاء علم دارد. به بیان دیگر خدا قبل از صدور اشیاء، به آنها علم دارد و علم پیشین خدا علم ذاتی است. با این نگرش نگاه ما به عالم و عین و ربطها متفاوت می‌شود و کسی که چنین نگاهی را دارد، حکیم است.

مدیر گروه فلسفه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در پایان با طرح این سؤال که آیا می‌توان جهان را بی‌معنا دانست یا نه؟ توضیح داد: مشکل امروز ما این است که عده‌ای یا سکولارند که از سیاست توحیدی به دور است یا سلفی‌اند که از معنویت توحیدی به دور است. انسان حکیم با مبانی ذکر شده بی‌معنایی برایش بی‌معناست، زیست‌کنشی چنین فردی معنادار است.